واز عجایب بزکوهی نست که خویشتن را ازنجایکاهی بلند در اندازد قرب صد بیره وبسر با یستد اما

نرود و باشد که بمیرد و عجب هست که در سرو او سوراخی هست که نفس بدان زند واگر آن سوراخ بگیرند چنانک

کرند چنانک هوا در رود نرود بمیرد و اندازه سالهای او عدد شدهاء سرو او باشد و در سیم مارست



بگیرد و بخورد و عجب در آنست که نر ماده را تعهد کند بعلف و آب در دهان گیرد و پیش ماده آرد واگر

او را بگیرند ماده در پی او همی رود وجه دوارد **وازمنافع بزکوهی** زهره بزکوهی

... کسی که او دشتی بخورد از مار اندیشه وباک ندارد یکسال یا باز افتاب

محمد ۱۴

کرداند و بر وانند صبر و سعتر و سعد و قرنفل و زعفران و عسل و مشک بکوبند و نیم مثقال



باب کرکس کسی را دندان که در دندان سنگ دارد پاره پاره بیندازد زمین تا او را با کندر و زنجبیل

سامیزند و باب گرم در حمام بر ریق بخورند درد سینه را مفید بود